



بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه

The Interactive Relationship between Society and School in the High School Curriculum

تاریخ دریافت مقاله: ۳۰/۰۴/۱۳۹۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۳/۱۲/۱۳۹۴

M. Khodarahmi
H. Malaki (Ph.D)مریم خدارحمی^۱حسن ملکی^۲

Abstract: This study was aimed to examine the interactive relationship between family and society in secondary school curriculum. This purpose was fulfilled through investigating experts' perspectives and international experiences. This study was qualitative in terms of method, explanatory research in terms of purpose and basic research in terms of nature. The population included all faculty members of Allameh Tabatabaee, Shahid Beheshti, Tehran, Tarbiat Moalem and Shahid Rajaei universities. Through Snowball sampling 14 faculty members were selected and interviewed by semi-structured interviews. Moreover, Grounded theory has been applied for data analysis. It is worth mentioning that 11 categories and 7 questions, which are clearly specified for each question, were obtained from interview data. Finally, the results show that developing a coherent social foundation of secondary school curriculum is apparently a necessity for today's society in order to make applicable knowledge and coordination with reality of students' life. The concepts and issues obtained in this study could be beneficial for providing realistic plans for secondary schools by curriculum planners with a greater focus on current situation of our society.

Key words: secondary school curriculum, social foundations, society

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه از دیدگاه صاحب‌نظران و تجارب بین‌الملل صورت گرفته است. پژوهش از حیث روش کیفی، بر مبنای هدف تبیینی و از لحاظ ماهیت از نوع بنیادی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه اساتید دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شهید بهشتی، تهران، تربیت‌معلم و شهید رجایی تشکیل دادند که بنا بر هدف پژوهش به روش نمونه‌گیری گلوله برفی، با چهارده نفر از این اساتید، مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. در پژوهش حاضر از داده‌های حاصل از مصاحبه برای هفت سؤال پژوهش بازده مقوله به دست آمد که این مقوله‌ها برای پاسخ به هر سؤال به تفکیک مشخص شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تدوین منسجم مبانی اجتماعی برنامه درسی دوره متوسطه با توجه به مبانی جامعه بومی و بین‌المللی، نیاز اساسی جامعه امروز ما، برای کاربردی کردن علم و دانش و نزدیکی به واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان است. مفاهیم و مقوله‌های مطرح شده در این پژوهش در هنگام تدوین برنامه درسی دوره متوسطه می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان درسی برای توجه هر چه بیشتر به شرایط جامعه کنونی ما در ارائه برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه باشد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی دوره متوسطه، مبانی اجتماعی، جامعه

maryam.khodarahmi@yahoo.com

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبایی

malaki_cu@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

برنامه درسی^۱ از مهم‌ترین عناصری است که مستلزم تحول متناسب با شرایط جدید است و باید طوری طراحی شود که، از یک سو افراد را برای ایفای نقش به‌عنوان یک عنصر فعال در جامعه یاری دهند و از سوی دیگر همگام با تغییرات اجتماعی به مسائل و مشکلات پیش روی فرد بپردازد و در عین حالی که از جامعه تأثیر می‌پذیرد، خود نیز عاملی همگام با تغییرات اجتماعی باشد، به عبارت دیگر، برنامه درسی نباید به گونه‌ای باشد که عاملان برنامه درسی در تغییرات اجتماعی عملاً هیچ تأثیری نداشته باشند، بلکه باید به طوری باشد که اگر در هر بخشی از جامعه از جمله بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کمبودی باشد از طریق برنامه درسی برطرف شود و این میسر نمی‌شود، مگر اینکه بین مدرسه و جامعه ارتباطات تعاملی و متقابل باشد. درباره اهمیت این ارتباط اورنشتاین و هانکینز^۲ (۱۳۷۳) معتقدند هر بحثی درباره برنامه درسی باید مسائل اجتماعی به خصوص ارتباط بین مدارس و جامعه و تأثیر آن‌ها بر تصمیمات برنامه درسی را مورد توجه قرار دهد. هوشیاری اجتماعی برای متخصصان و تدوین‌کنندگان برنامه درسی یک اصل مهم است، تصمیمات برنامه درسی در جامعه‌ای پیچیده از طریق خواسته‌هایی که به وسیله جامعه مطرح و از صافی‌ها گذشته و به مدارس منتقل می‌شوند، صورت می‌پذیرد.

ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر قاطعی بر برنامه‌های درسی و فرآیند تدوین آن‌ها داشته باشد (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۹۱) جامعه، مسائل و نیازهای آن منبع قوی و وسیعی برای تشخیص نیازها در برنامه درسی است. نیازهای اجتماعی باید در برنامه درسی مدرسه مطرح شوند تا برنامه‌های درسی به برنامه‌های درسی واقعی تبدیل شوند. نیازهای جامعه دو نوعند: ۱- نیازهای معمولی و موجود مانند نیازهای شغلی و حرفه‌ای افراد و نیازهای مربوط به انتقال فرهنگ گذشته ۲- نیازهای مربوط به تغییر و تحول اجتماعی مانند نیاز به رفع نابرابری اجتماعی یا نیاز به تولید دانش جدید (قادری، ۱۳۹۱، ص ۵۳). در برنامه‌های درسی جامعه‌محور اصلاح و توسعه جامعه هدف اساسی است. محتوای برنامه درس از زندگی اجتماعی گرفته می‌شود و در فرایند یادگیری، روش حل مسئله مورد نظر است (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۷). در کنار جامعه

1. Curriculum

2. Ornstein, A.C. & Huunkins, F. P.

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

مدارس نهادهای اجتماعی هستند که باید سعی کنند خود نیز عامل تغییر باشند و همگام با تغییرات اجتماعی متحول گردند. مدارس نمی‌توانند نسبت به نیازهای ضروری جامعه بی‌اعتنا باشند. آنچه که برنامه ریزان باید انجام دهند این است که بین تعمیم‌های جامعه‌شناختی و کاربردهای تربیت آن‌ها تلفیقی صورت گیرد (تقی پورظهیر، ۱۳۸۵).

برنامه درسی دوره متوسطه، به دلیل تأکید این دوره، هم به لحاظ ویژگی‌های روانشناختی دانش‌آموزان که مایل به برقراری ارتباط با جامعه و درگیرشدن در زندگی اجتماعی هستند و هم به لحاظ انتظاراتی است که خانواده و جامعه از افراد این حیطه سنی دارند و هم اینکه دوره متوسطه از لحاظ اقتصادی و تأمین منابع انسانی برای به گردش درآوردن چرخه اقتصادی کشور رابطه تنگاتنگی با جامعه دارد، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع در این دوره است که باید انواع مهارت‌های زندگی و زمینه یادگیری مادام‌العمر در افراد به وجود بیاید تا بتوانند برای ایفای نقش‌های بزرگسالی و وظایف خود در جامعه آمادگی لازم را کسب کنند. موسی‌پور (۱۳۸۵) اهمیت آموزش متوسطه را در چند مطلب بیان می‌کند: ۱- آموزش متوسطه، یکی از حلقه‌های زنجیر آموزشی است که آموزش ابتدایی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد. مسلم است که وجود نقص در این دوره می‌تواند، تأثیری ناخوشایند بر هر دو دوره قبل و بعد داشته باشد. ۲- دوره متوسطه یک دوره انتقالی است؛ انتقال بین آموزش پایه که عمومی و غیرتخصصی است و آموزش بیشتر تخصصی در سطح آموزش عالی، دوره انتقال است میان آموزش و زندگی، دوره انتقال است میان کودکی و جوانی و بلوغ. این دوره در واقع یک دوره میانی است که به واسطه بسیاری از فشارهای روانی و اجتماعی ویژگی‌های خاصی را به جوان می‌بخشد. ۳- دوره متوسطه منبع اصلی تولید نیروی انسانی ماهر است.

بنابراین با توجه به نقش سازنده و بارورکننده برنامه درسی در توسعه جامعه، پژوهش حاضر با توجه به کمبود پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه و همچنین عدم انسجام بررسی‌های صورت گرفته در خصوص مبانی اجتماعی برنامه درسی دوره متوسطه، به بررسی رابطه متقابل بین جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

مبانی اجتماعی

امروزه علیرغم تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد فاقد توانایی‌های لازم و اساسی در رویارویی با مسائل زندگی خود می‌باشند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیر نموده است. با توجه به لزوم انطباق افراد با تغییرات زندگی عصر حاضر، برنامه درسی به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی است که با طراحی و اجرای آن می‌توان نسل امروز را برای رویارویی و مواجهه با چالش‌ها و مسائل موجود و آینده توانا ساخت و شهروندان شایسته‌ای را تربیت نمود. از همین رو لازم است مبنای طراحی برنامه‌های درسی چالش‌های زندگی حال حاضر دانش‌آموزان باشد و همچنین پرورش مهارت‌هایی برای رویارویی با مسائل زندگی آینده‌شان، مهارت‌هایی که به آن‌ها قدرت درک و تحلیل مسائل و مشکلات را می‌دهد. در واقع آشنایی دانش‌آموزان با جامعه کنونی خود و چالش‌ها و مسائل آن مهم‌ترین رسالت برنامه‌های درسی در حال حاضر است (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۷).

مطالب ذکر شده نشان می‌دهد که یادگیری کتاب به تنهایی برای آماده کردن افراد برای زندگی کامل کافی نیست؛ بنابراین مدارس نیاز دارند تلاش‌هایشان را به سمت اهداف گسترده‌تری هدایت کنند. اخیراً یک گروه از رهبران آموزشی این‌گونه بیان کرده‌اند که: ما به کسانی که مواد و فعالیت‌ها را وارد فلسفه آموزش و پرورش می‌کنند، می‌گوییم که در مدرسه باید واقعیت‌های حال حاضر زندگی اجتماعی و نه گذشته جایگاه داشته باشند. نگرانی برای مسائل زندگی معاصر یک عنصر جدید در ساخت برنامه درسی نیست و این همواره مورد توجه بوده است. حال سؤال این است که آیا آموزش و پرورش رسمی در دوره کودکی و نوجوانی می‌تواند برای مشکلات بزرگسالی کافی باشد؟ این سن (نوجوانی) در حال حاضر مورد توجه است، همچنین مشکلات برای این گروه دارای ماهیت روانشناختی، جامعه‌شناختی و نیز مالی است (دوگلاس^۱، ۱۹۳۷).

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

صافی (۱۳۸۰) مبانی اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: نظام ارزشی که از سنت‌ها و آداب و رسوم مردم در جامعه تشکیل می‌شود و در تدوین اهداف و فرایندهای برنامه‌ریزی درسی نقش داشته و در هدف‌گذاری حائز اهمیت می‌باشد. فرهنگ که به سبک زندگی تعبیر می‌شود در فرایندهای زندگی شرعی و عرفی افراد جامعه نقش داشته و نه تنها در فعالیت‌های عادی زندگی دخالت دارد، بلکه در زندگی مدرسه‌ای فراگیرندگان تأثیر جدی گذاشته در غذا خوردن و لباس پوشیدن و آغاز، میان و انتهای فعالیت‌های روزانه زندگی وارد می‌شود.

ارنشتاین و هانکینز (۱۳۷۳) در تعریف مبانی اجتماعی، مبانی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را به‌عنوان جزئی از مبانی اجتماعی در نظر می‌گیرند و در اشاره به مبانی اجتماعی، موارد زیر را مطرح می‌کنند:

تغییر و برنامه درسی: به طور کلی به مربیان، معلمان و عواملان برنامه درسی در طول اعصار فرصت‌هایی عرضه شده است، آنان ممکن است بودن کوچک‌ترین انتقاد تمایلات زمان خویش را که در می‌یابند، عیناً در برنامه‌های درسی به کارگیرند که در این صورت برنامه‌ها آینه نیروهای سیاسی و اجتماعی خواهند بود و یا ممکن است زمان را ارزیابی نموده، برنامه‌های مدارس را به نحوی تدوین نمایند که پاسخگوی تغییرات پویا باشند.

جامعه به‌عنوان منبع تغییر: جامعه معاصر چنان با سرعت در حال تغییر است که بسیار مشکل می‌توان خود را با آن همراه و سازگار ساخت و آماده تحولات آینده بود. مجبوریم به مدارس از این دیدگاه که ما را در درک جامعه، یاری داده و برای زندگی در آن آماده می‌سازد، نگاه کنیم، اما در عین حال، مدارس نهادهای محافظه‌کاری هستند که معمولاً از تغییرات عقب می‌مانند. تفاوت سرعت تغییرات در بخش‌های جامعه «پدیده» «عقب‌ماندگی فرهنگی» را پدید می‌آورند. معمولاً تغییرات فرهنگی در ابتدا از علوم، تجارب و صنعت آغاز شده، اما نهادهای جامعه از این تغییرات عقب می‌مانند.

مدرسه به‌عنوان منبع تغییر: توجه به این نکته لازم است که مدارس نهادهای وابسته به دیوان سالاری بوده و بسیار محافظه‌کارند (یا سنتی هستند) و بر اساس هنجارهای استاندارد شده رفتاری که به وسیله قوانین و مقررات برای همه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان معین شده، انجام وظیفه می‌نمایند؛ بنابراین گرچه که اهداف تربیتی و موضوعات درسی را بر اساس نیازهای

جدید اجتماعی و سیاسی تغییر می‌یابد، اما نباید انتظار داشت که ساختار و سازمان مدارس، به طور بسیار فزاینده‌ای تغییر نماید.

دانش به‌عنوان منبعی برای تغییر: بدنه سازمان دانش که درباره مردم و جهان، گردآوری شده، ممکن است به‌عنوان گسترش و فرآیند تعامل جامعه معاصر، مورد توجه قرار گیرد. همچنان که جامعه تغییر می‌کند، دانش ما نیز تغییر می‌نماید، در مقابل با افزایش دانش پایه، تغییرات بیشتری نیز در جامعه رخ می‌دهد. (همان، ۱۳۷۳)

برنامه‌ریزی درسی بر مبنای تغییرات و تحولات اجتماعی: برنامه‌های مدارس باید بر اساس آنچه در بستر جامعه می‌گذرد، تدوین یابد. مسائلی که در جامعه مطرح می‌شود، متنوع است و آن‌ها را می‌توان در مقوله‌های مختلفی جست و جو کرد:

۱. شتاب فزاینده‌ی تغییر به ویژه در مسائل اقتصادی جامعه
۲. توسعه جمعیت و تحرک اجتماعی
۳. گسترش دانش، تکنولوژی و ابتکار
۴. وابستگی‌های افراد با هم (روابط میان گروهی)
۵. ناسازگاری‌های میان گروهی
۶. ایدئولوژی‌های مختلف و برخورد آن‌ها در درون جامعه و سطح بین‌المللی
۷. ملی‌گرایی به جای همکاری‌های بین‌المللی
۸. اختلافات فرهنگی در درون جامعه و در سطح بین‌المللی
۹. نقش مذهب در جامعه
۱۰. استفاده از منابع طبیعی
۱۱. روابط بین‌المللی
۱۲. ارج گذاری به ارزش‌ها

تدوین برنامه‌های درسی بر پایه تغییرات یا خواسته‌های جامعه نیاز به اطلاعات صحیح دارد. اطلاعات دوازده‌گانه فوق مبانی اصلی تغییرات در برنامه‌های درسی‌اند. امروزه رشد شهروند خوب یا بار آوردن عضو مفید اجتماع از هدف‌های اساسی آموزش و پرورش است. جوانان باید از طریق برنامه‌های درسی با واقعیت‌های اجتماعی ضروری مواجه شوند و شیوه‌های برخورد با

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

آنها بر پایه موازین صحیح اجتماعی باشد و در موارد مربوط برای قوانین و مقررات اجتماعی ارزش قائل شوند. (فرجاد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱)

مدرسه و جامعه

مدرسه نهادی است که در جامعه شکل می‌گیرد. عوامل اصلی در مدرسه دانش‌آموزان هستند که به‌عنوان گروه یادگیرندگان در مقابل جامعه قرار دارند و بدون توجه به خواسته‌های آنان، آموزش و پرورش نمی‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. مدارس بنا به خواست گروه‌های مختلف اجتماعی به وجود آمده‌اند و وظایف آنها را می‌توان جامعه‌پذیر کردن، انتقال سرمایه‌های تمدن به نسل معاصر، آماده کردن نوجوانان برای مشاغل و حرفه‌ها، کمک به حفظ یکپارچگی جامعه دانست (فرجاد، ۱۳۷۹).

مبانی اجتماعی دوره متوسطه

ملکی (۱۳۸۷) از جایگاه آموزش متوسطه در آموزش و پرورش بحث می‌کند و بیان می‌دارد که در آموزش همگانی به پرورش استعدادهای عام دانش‌آموزان پرداخته می‌شود، در حالی که آموزش متوسطه بیشتر به پرورش استعدادهای خاص اختصاص دارد. در این دوره بر تأمین نیازهای شغلی و حرفه‌ای و جهت دادن افراد در مسیرهای خاص تأکید می‌شود، در واقع دوره متوسطه بر تفاوت‌ها تأکید می‌کند تا ضمن تأیید وجوه تمایز شخصیت افراد و پرورش آنان، جوابگوی نیاز جامعه در زمینه‌های مختلف باشد.

در بحث از مبانی اجتماعی آموزش متوسطه، دو چیز بررسی می‌شود:

۱. ویژگی‌های اجتماعی فرد در دوره متوسطه اول، این است که در مرحله اول این دوره نوجوان متمایل به عالم درونی است، اما در مرحله دوم خود را بخشی از نظام اجتماعی می‌داند، دوم اینکه نوجوان مایل به انجام کارهای جامعه است و تمایل به همکاری با دیگران دارد، سوم اینکه به مسئولیت انسانی خویش بیش از رضایت دیگران توجه دارد و چهارم اینکه برای سؤالاتی در زمینه زندگی و جامعه و نقش خود نیازمند جواب و راهنمایی است.
۲. نقش اجتماعی نوجوان در جامعه، نقشی که نوجوان در جامعه می‌تواند ایفا کند، بسیار وسیع‌تر از نقشی است که فرد در کودکی دارد. با ورود به دوره متوسطه، دنیای وسیع‌تری در جلوی چشمان دانش‌آموز باز می‌شود. در این مرحله نوجوان خود را در مقابل جامعه مسئول

می‌بیند و می‌خواهد در حل مسائل و مشکلات اجتماعی مؤثر باشد. از طرف دیگر، جامعه نیز از او انتظار دارد که به‌عنوان یک شخص مولد و فعال ظاهر شود و به سهم خود در تأمین نیازهای فردی و اجتماعی ایفای نقش کند، بنابراین لزوم کسب مهارت‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متناسب با این مرحله مطرح می‌شود. به همین دلیل آموزش متوسطه باید به سمت حرفه‌آموزی حرکت کند و مهارت‌های شغل در افراد به وجود آید سال‌های نوجوانی نه تنها برای ورود به دنیای کار، برای پرداختن به مشاغلی که در زندگی به آن نیاز داریم، اهمیت بسیار دارد بنابراین باید محور آموزش متوسطه را حرفه‌آموزی تشکیل دهد (ملکی، ۱۳۸۷ ص ۳۶).

در ارتباط با ویژگی‌های فرد در دوره متوسطه، موسی‌پور (۱۳۸۵) معتقد است که آگاهی از نیازها و مسائل نوجوانان در این دوره به برنامه ریزان کمک می‌کند، خاص بودن این دوره را به طور جدی‌تر مدنظر قرار دهند و در این رابطه به طور کلی به موارد زیر اشاره کرده است:

۱. استقلال و فردیت در حال رشد
۲. تمایل برای پذیرش گروهی
۳. میل به تأمین یک زندگی خوب
۴. پیدا کردن فرصت‌هایی برای ابراز وجود
۵. نیاز به تدوین فلسفه زندگی و نظام ارزشی

در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادهای اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلای خود می‌رسد، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند. این دوره از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهمی است. (صافی، ۱۳۸۰)

دوره متوسطه بیش از دوره‌های قبل با جامعه ارتباط دارد. دانش‌آموزان این دوره هم از نظر روانی و ذهنی خود را آماده ورود به جامعه و ایفای نقش‌های مختلف می‌بیند و هم جامعه از او انتظار دارد که توانایی‌های نسبی در انجام وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را کسب کند. از برنامه درسی دوره متوسطه انتظار می‌رود ضمن اینکه بتواند به سؤال‌ها و نیازهای دانش‌آموزان

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

در زمینه‌های مختلف پاسخ قابل قبولی ارائه دهد می‌بایست شرایط ایجاد تحول کیفی در تحصیل و آمادگی برای احراز شغل مولد، بهبود و توسعه دانش و فن‌آوری را در جامعه فراهم نماید (افضل خانی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ اما متأسفانه مدارس امروز به دلیل پیشرفت‌های علوم و فنون و با توجه به بعضی از رویکردهای روانشناختی توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق علمی معطوف کرده و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند (شعبانی، ۱۳۷۸).

جامعه به‌عنوان برنامه‌ی درسی

ناچتیگال^۱ اظهار می‌کند که «آنچه که مدارس روستایی به بهترین شکل انجام داده‌اند، آماده کردن دانش‌آموزان برای ترک جوامع روستایی، یا با هدف ادامه تحصیل و یا شغل پیدا کردن است. او بر اهمیت استفاده از جامعه به‌عنوان منبع برنامه‌ریزی درسی تأکید می‌کند؛ هنگامی که آموزش به خارج از کلاس درس برده شود، موانع میان مدرسه و جامعه، همان‌طور که دانش‌آموزان در میان جامعه‌شان و درباره‌ی آن یاد می‌گیرند، شکسته می‌شوند. متون مکتوب، تعدادی از مثال‌های برنامه‌های روستایی موفق را ذکر می‌کند که در آن ارتباطات میان مدرسه و جامعه با استفاده از رویکرد جامعه- به‌عنوان- برنامه درسی ساخته شده است. این مثال‌ها در دو دسته‌ی اصلی قرار می‌گیرند: دانش‌آموزان در همکاری با اعضای جامعه، دوران گذشته‌ی جامعه‌شان را مورد بررسی قرار می‌دهند و تاریخ آن را مستند می‌کنند تا میراث و آینده‌شان را حفظ کنند و دانش‌آموزان، مواردی که جامعه‌شان را متأثر می‌کند، تشخیص می‌دهند و با همکاری سازمان‌های جامعه، عمل یادگیری را متقبل می‌شوند تا نیازهای جامعه را بسنجند و تغییراتی را برنامه‌ریزی کرده و اجرا کنند. پیوندهای برقرار شده میان مدارس و مشاغل در جامعه، از طریق تدارک تعلیم و آموزش بیشتر و برنامه‌های پیش- استخدام برای جوانان، در جامعه نیز توسط بهبود مهارت‌های کاری و چشم اندازه‌های مشاغل جوانان، شرکت و همکاری می‌کند. رویکرد جامعه- به‌عنوان- برنامه درسی، به دلیل پیوندهای محکم قرار گرفته میان مدرسه و جامعه، نقش مهمی در تجدید حیات جامعه دارد. به علاوه، پیامدها و منافع اجتماعی و اقتصادی بسیاری از پروژه‌های جامعه- به‌عنوان- برنامه درسی، پس از اینکه پروژه اولیه پایان می‌یابد، برای مدت طولانی دوام می‌آورند (جونس و همکاران، ۲۰۰۰). دانش‌آموزان باید مجموعه‌ای از مفاهیم را پرورش دهند تا به آن‌ها

1. Nachtigal

2. Johns. Kilpatrick & Mulford

کمک کند که در دنیایی به هم پیوسته و پیچیده شرکت کرده و با آن مرتبط شوند. برای مشارکت در جامعه و داشتن عملکرد مؤثر در آن و انجام اعمال اجتماعی ارزشمند، دانش‌آموزان باید به انواع مهارت‌ها و گرایش‌ها مجهز شوند ('VT', 2013). در همین راستا ملاویل و همکاران^۲ (۲۰۰۶) پروژه‌ای با عنوان یادگیری جامعه‌محور را انجام دادند. نتایج اجرای این پروژه نشان داد، هنگامی که دانش‌آموزان مشغول یادگیری می‌شوند، بیشتر انتظار می‌رود که عمیقاً علاقه‌مند باشند، سخت‌تر کار کنند و به اهدافشان برسند. با پرورش علاقه‌ی دانش‌آموزان به جوامع خودشان، می‌توان بذریه‌های یادگیری مادام‌العمر را کاشت. با توجه به همین نکته است که تجدید نظر در به‌روزرسانی برنامه‌های درسی توسط آمیختن آن‌ها با دانش، مهارت‌ها و گرایش‌های جدید، یک روش مهم تلقی می‌شود. در نگاهی اجمالی‌تر، مهارت‌های زندگی شامل مهارت‌های مربوط به ارتباط، تصمیم‌گیری، اندیشه‌ی حیاتی، همدلی و تحمل فشارهاست (سوبهی^۳، ۲۰۰۲). از این روست که جایگاه دانش و مهارت‌های لازم برای روابط مؤثر مدرسه-جامعه، وسیع و همیشه در حال تغییر است؛ بنابراین بررسی روابط مدرسه-جامعه، اساساً مهم است. آنچه که به‌عنوان دانش و مهارت در حال حاضر ضرورت تصور می‌شود امری ایستا و غیرقابل تغییر نیست، بنابراین پویایی جایگاه دانش و مهارت‌ها در عصر کنونی بررسی رابطه مدرسه و جامعه را به طور مستمر می‌طلبد (فیوره^۴، ۲۰۱۱). خانه، مدرسه و جامعه، محیط‌های اصلی و مشترکی برای تأثیر بر تحصیل و پیشرفت بچه‌ها را ارائه می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افرادی که فارغ‌التحصیل می‌شوند و به تحصیل خوب در طی دوران دبستان و دبیرستان دسترسی دارند، بیشتر احتمال می‌رود که شغل سودمندی پیدا کنند، خانواده‌های مستحکمی داشته باشند و شهروندان فعال و مولدی باشند. همچنین کمتر انتظار می‌رود که آن‌ها جرمی جدی مرتکب شوند (گوس و همکاران^۵، ۲۰۰۷).

همان‌طور که ذکر شد تعاملات گسترده بین مدرسه و جامعه در نهایت به پیشرفت و فرد و جامعه می‌انجامد، اما در غیر این صورت وضع به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود؛ مثلاً امروزه

-
1. Virginia tech
 2. Melaville, a; berg, a.; blank, m
 3. Sobhi
 4. Fiore
 5. Goos, lowrie & jolly

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

فرصت‌های ناکافی و نامناسب پیشنهاد شده به عده‌ی کمی از جوانان فقیر، مهم‌ترین چالشی است که مدارس و سازمان‌های اجتماعی با آن روبرو هستند و تهدید بزرگی بر کشور تحمیل می‌کند (لوین، ۲۰۰۵).

به هر صورت با توجه به مطالب و مستندات مذکور می‌توان استنباط کرد که جامعه در حال تغییر و دگرگونی است؛ تغییراتی که به لحاظ اجتماعی و تکنولوژیکی به وجود آمده است باعث برخورد فرهنگ‌ها با یکدیگر می‌شود. و اینگونه است که دیگر تنها وظیفه مدرسه نمی‌تواند انتقال فرهنگ باشد. با توجه به نقش مدارس در جوامع امروزی بررسی رابطه متقابل جامعه و مدرسه بسیار مهم است؛ زیرا اگر قرار است نیازهای جامعه تحقق پیدا کند و همچنین دانش‌آموختگان مدارس در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند و جامعه آن‌ها را بپذیرد و همچنین اگر می‌خواهیم مدارس در تغییرات اجتماعی ایفای نقش کنند وجود این رابطه امری اجتناب‌ناپذیر است.

مبانی تجربی پژوهش

غلامی فرد (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان بررسی کمی و کیفی برنامه‌های درسی جامعه‌شناسی دوره متوسطه گروه علوم انسانی بر اساس دیدگاه اجتماعی در برنامه‌ریزی درسی به این نتایج رسید که: برنامه‌های دروس جامعه‌شناسی دوره متوسطه بیشتر به انتقال فرهنگی توجه می‌شود و در دو مقوله دیگر یعنی تربیت شهروندی مردم سالار و تغییر اجتماعی برنامه‌های دروس جامعه‌شناسی دوره متوسطه در حد ضعیف و متوسط تدوین تنظیم شده است. مفتخر (۱۳۸۷) به پژوهشی با عنوان بررسی برنامه درسی قصد شده و اجرا شده شهروند مسئول در دوره متوسطه از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی پرداخت که نتایج نشان داد که میزان تفاوت و تطابق اهداف برنامه درسی اجرا شده شهروند مسئول با اهداف برنامه درسی قصد شده شهروند مسئول اغلب در سطح متوسط و قابل قبولی است و میزان تفاوت و تطابق محتوا و روش‌های تدریس برنامه درسی اجرا شده و قصد شده شهروند مسئول نیز در حد متوسط و قابل قبولی است. استفتیاری (۱۳۸۲) در پژوهشی به شناسایی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان از دیدگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی متوسطه نظری و دانش‌آموزان شاخه نظری دبیرستان‌های بزرگسالان دولتی شهر تهران پرداخت که یافته‌های اینانگر آن است که از

دیدگاه هر سه گروه مورد مطالعه مهارت‌های طبقه شهروندی در اولویت اول، مهارت‌های فردی - زیستی در اولویت دوم، مهارت‌های محل کار در اولویت سوم و مهارت‌های ذهنی-شناختی در اولویت آخر قرار گرفته است. جباری (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی میزان موفقیت برنامه‌های تنظیم شده دوره متوسطه در تحقق اهداف اجتماعی پرداخت که یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که به اهداف مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران در برنامه‌های درسی توجه شده است، ولی به دیگر اهداف مطرح شده مانند آموزش روابط خانوادگی، آموزش و گسترش مردم‌سالاری، میهن‌پرستی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی کمتر توجه شده است.

ملاویل و همکاران^۱ (۲۰۰۶) پروژه‌ای با عنوان یادگیری جامعه‌محور را انجام دادند. نه مدرسه از سه ایالت **new England** (بخش‌های شمال شرقی ایالات متحده آمریکا)، در این پروژه مدارس جامعه‌محور شرکت کردند. این پروژه یک راهبرد مکان محور بود که از پیامدهای بعدی آن شواهد محکمی به دست آمد، اولین نتایج، رشد مهارت و اشتیاق معلم را نشان داد و افزایش تعهد دانش‌آموز در یادگیری، پیشرفت تحصیلی و دانش او از محیط اجتماعی و طبیعی را نشان داد.

توماس^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی درسی منطقه محور **RSA**، نوعی برنامه درسی مبتنی بر جامعه محلی را مطرح کرد. او اذعان داشت، برنامه‌ریزی درسی منطقه محور **RSA** به معلمانی احتیاج دارد که طراح برنامه درسی باشند و با حسابداران محلی همکاری کنند تا منابع دانشی که در جوامع محلی نگه داشته می‌شود، استخراج کنند. توماس در پژوهش خود این سؤال را مطرح کرد که: آیا خودمختاری و طبقه اجتماعی معلم، به‌عنوان مانعی برای تعهدات جامعه است؟ برای مدارس موجود، مشارکت با جامعه‌ای گسترده‌تر که شامل والدین هم می‌شود، امری اجتناب‌ناپذیر است.

1. Melaville, A; Berg, A.; Blank, M
2. Thomas

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

سؤالات پژوهش

۱. جامعه چه تأثیری در فضای روانی اجتماعی مدرسه متوسطه می‌تواند داشته باشد؟
۲. جامعه چه تأثیری در نوع نگرش دبیران نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند داشته باشد؟
۳. جامعه چه تأثیری در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی دوره متوسطه می‌تواند داشته باشد؟
۴. مدرسه متوسطه چه نقشی در ثبات اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟
۵. مدرسه متوسطه چه نقشی در تغییر اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟
۶. مدرسه متوسطه چه نقشی در مسائل و مشکلات اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟
۷. نظریه زمینه‌ای رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش پژوهش با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه تعاملی مدرسه و جامعه در برنامه درسی دوره متوسطه است یک پژوهش تبیینی است؛ اما از این لحاظ که پژوهش حاضر در صدد تدوین چارچوب مفهومی در رابطه با مبانی اجتماعی برنامه درسی دوره متوسطه است، از این نظر پژوهشی کاربردی است و از آنجا که در این پژوهش برای پاسخ به سؤالها صرفاً از داده‌های کیفی استفاده می‌شود از نوع کیفی است. پژوهش حاضر کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. هدف تحلیل محتوا به دست آوردن شناخت و بینشی نو از اطلاعات به دست آمده است. در روش تحلیل محتوا واحدهای اطلاعاتی در پاسخ به هر سؤال مشخص می‌شوند؛ این واحدها می‌تواند لغت، عبارت و پاراگراف باشند. برای تحلیل داده‌های مصاحبه باید از الگوهای تحلیل محتوا استفاده کرد از این رو در پژوهش حاضر از شیوه کدگذاری نظریه زمینه‌ای استفاده شده است.

جامعه آماری نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد نظر پژوهش، شامل کلیه اساتید رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، علامه طباطبائی و تربیت‌معلم و شهید رجایی تهران است. روش مورد

استفاده برای نمونه‌گیری، هدفمند بوده است. روش‌های مختلف نمونه‌گیری هدفمند در تحقیقات کیفی متداول است. بدین ترتیب ۱۴ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان مرتبط با موضوع شناسایی شدند و با آن‌ها مصاحبه صورت گرفت. از آنجا که در جریان مصاحبه اشباع نظری، توسط پژوهشگر بعد از مصاحبه نهم احساس شد، برای اطمینان بیشتر مصاحبه تا ۱۴ نفر ادامه یافت.

روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

- ۱- مطالعه کتابخانه‌ای
- ۲- بررسی اسناد: بررسی مبانی اجتماعی برنامه درسی ملی و مقایسه نتایج پژوهش حاضر با مؤلفه‌های مطرح در این سند
- ۳- مصاحبه با متخصصان: با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی مصاحبه کاملاً سازمان یافته نیست و هدف محقق کمک نمودن به مصاحبه‌شوندگان است تا دیدگاه‌های خود را در مورد موضوع مربوط با کلمات و عبارات خودشان بیان کنند، لذا جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از مصاحبه نیمه سازمان یافته با سؤالات باز استفاده شده است. مصاحبه‌ها در قالب نیمه سازمان یافته و با طرح سؤالات کلی و اصلی انجام شد. در طول مصاحبه به اساتید اجازه صحبت آزاد در مورد سؤالات داده شد. در حین انجام مصاحبه، گاهی مصاحبه‌شونده به جهتی هدایت می‌شد که پاسخ‌گوی سؤالاتی تحقیقی باشد. از ۱۴ مصاحبه‌ی انجام شده، ۹ مصاحبه بعد از هماهنگی با مصاحبه‌شونده‌ها صورت گرفته و ۵ مصاحبه بعد از مراجعه به دانشگاه مربوطه و صحبت با استاد بلافاصله صورت گرفته است. در پایان هر یک از مصاحبه‌ها با شرح جزئیات پیاده‌سازی شد.

اعتبار (روایی) ابزار

- ۱- به منظور تعیین روایی محتوایی مصاحبه، ابزار مربوط بر اساس نظرات اساتید راهنما و مشاور مورد بازبینی قرار گرفته و در نهایت تأیید شده است.
- ۲- برای اطمینان از روایی داده‌های به دست آمده از مصاحبه داده‌های حاصل در ضمن مصاحبه برای هر یک از اساتید بازگویی شد تا در صورت برداشت اشتباه پژوهشگر

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

مطالب توسط آنان اصلاح شود.

قابلیت اطمینان^۱ و انتقال‌پذیری پژوهش

- به منظور حصول قابلیت اطمینان برای خواننده، از بررسی‌ها و تأیید اساتید راهنما و مشاور در طول فرایند تحقیق استفاده شده است.
- توصیف دقیق و عمیق داده‌ها به خواننده امکان می‌دهد اعتماد‌پذیری تفسیرهای پژوهشگر را تعیین کند (هومن، ۱۳۸۵). منظور از این امر توصیف مفصل فرایند انجام تحقیق و افراد درگیر است. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از توصیف تفصیلی فرایند انجام تحقیق، انتقال‌پذیری داده‌های پژوهش برای خواننده تأمین شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش‌های کدگذاری استراس و کوربین^۲ بهره گرفته شده است. به این صورت که داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شده و با بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌ها و سؤالاتی در مورد پدیده‌ها، راه برای کشف بیشتر باز شده و در نهایت با برقراری پیوند بین مقولات، اطلاعات به شیوه‌ای جدید به یکدیگر مربوط می‌شوند و داده‌ها در سطحی بالاتر مقوله‌بندی می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: جامعه چه تأثیری در فضای روانی اجتماعی مدرسه می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۱- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال اول پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
نظام اجتماعی	بافت اجتماعی	بسترسازی مناسب، ساختار فیزیکی روانی جامعه، بافت جامعه
	ارزش‌های اجتماعی	انتظارات جامعه، ارزش‌های جامعه، نوع حکومت
	روحیه اجتماعی	رویکرد مهارت محوری، رویکرد مسئولیت‌پذیری
مسائل سیاسی	مسائل ملی و میهنی	ماهواره، خلیج فارس، انرژی هسته‌ای، جنسیت

1. Dependability
2. Strauss & Corbin

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
اجتماعی	فضای اقتصادی و سیاسی	تصمیمات سیاسی، فضای اقتصادی سیاسی، بیکاری، آزادی خواهی
مناسبات فرهنگی	فرهنگ خانواده	احترام به دیگران، کم‌رویی و خجالت، استانداردها سازی عقاید خانواده
	تعاملات بین فردی	ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان، مناسبات اجتماعی
	ارتباط خرده‌فرهنگ‌ها	هم‌نوایی عاطفی فکری، ارتباط خرده‌فرهنگ‌ها

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله‌های استخراج شده، بیانگر آن‌اند که سه مقوله نظام اجتماعی، مسائل سیاسی اجتماعی و مناسبات فرهنگی در فضای روانی اجتماعی مدرسه، می‌توانند تأثیرگذار باشند.

نظام اجتماعی: نظام اجتماعی ارزش‌ها و انتظاراتی دارد که آن‌ها را به مدرسه القا می‌کند. بدین ترتیب بسته به نوع ارزش‌ها و انتظارات ساختار و بافت جامعه شکل می‌گیرد و از همین رو جامعه دارای روحیه‌ی خاصی می‌شود. به طبع مدرسه نیز که در خدمت جامعه است تحت تأثیر روحیه‌ی جامعه قرار گرفته و فضای روانی اجتماعی آن متأثر از نظام اجتماعی خواهد بود.

مسائل سیاسی اجتماعی: هر جامعه‌ای بسته به بافت و ساختارش با مسائلی درگیر است که خواسته یا ناخواسته فضای روانی اجتماعی نهادهای آن از جمله مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مسائلی مانند: خلیج فارس، انرژی هسته‌ای، ماهواره و ... که در جامعه ما مطرح است در مدرسه به آن‌ها پرداخته می‌شود و فضای روانی اجتماعی آن را متأثر می‌سازد.

مناسبات فرهنگی: شامل عقاید، راه و رسم‌ها و منش‌هایی می‌شود که مخصوص هر جامعه‌ای است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. فرهنگ خانواده به طور مستمر نیاز به بازبینی و اصلاح دارد. نوع تعاملات افراد خانواده، کارکنان مدرسه با یکدیگر منجر به شناخت می‌شود و اگر این شناخت با عمق و وسعت بیشتری باشد و تحلیل و تفسیر بیشتری روی آن صورت بگیرد در واقع سمت و سوی این مناسبات و مراودات فرهنگی مثبت خواهد بود

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

سؤال دوم: جامعه چه تأثیری در نوع نگرش دبیران نسبت به برنامه‌های درسی می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۲- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال دوم پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
معلم عامل تغییر	ویژگی‌های شخصیتی معلم	خودباوری، خلاقیت، تفاوت‌های فردی معلمان، تعلق به رشته
	بازخورد	بیداری فکر، بازخورد
	منبع تغییر	تکنولوژی، توسعه‌یافتگی، فعالیت معلمان همگام با جامعه، مفهوم برنامه درسی
معلم ابزار انتقال	تضاد ارزشی با برنامه درسی	نادیده گرفتن نیاز معلم، تضاد ارزشی، فقدان دانش، اولویت‌های ارزشی جامعه
	عدم تفویض اختیار	نظام سوپر متمرکز، فضای فکری جامعه، تابع بودن

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله‌های استخراج شده، بیانگر آن‌اند که دو مقوله معلم عامل تغییر و معلم ابزار انتقال به‌عنوان اثر جامعه در نوع نگرش دبیران نسبت به برنامه‌های درسی می‌توانند، تأثیرگذار باشند.

معلم عامل تغییر: در این دیدگاه معلم می‌تواند تغییر ایجاد کند و عامل اصلی در تغییر اثربخش برنامه درسی است. معلم در این رویکرد به‌عنوان یکی از فعالان اصلی برنامه درسی نگریسته می‌شود. در این دیدگاه هم شخصیت معلم جدای از محدودیت‌ها فعال و منبع تغییر است و هم موقعیت معلم در جامعه مثبت و دلگرم‌کننده است.

معلم ابزار انتقال: در این رویکرد به معلم به‌عنوان فردی نگریسته می‌شود که وظیفه انتقال دانش به افراد را دارد. این نوع نگاه به معلم باعث احساس از خودبیگانگی و بی-علاقگی معلم شده به‌گونه‌ای که معلم به نتایج تلاش‌های خود امیدوار نبوده و کار خود را فاقد معنا می‌یابد؛ بنابراین نادیده گرفتن معلم به‌عنوان یک مخاطب ارزشمند باعث می‌شود معلم همین دید را به دانش‌آموزان داشته باشد.

سؤال سوم: جامعه چه تأثیری در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی دوره متوسطه می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۳- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال سوم پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
ارتباط پویای جامعه و برنامه درسی	متعادل‌سازی محتوا	انطباق‌پذیری، نیازسنجی مستمر، نگاه فرایندی محتوا
	محتوای مبتنی بر جامعه	تمرکز به واقعیت‌های زندگی، روحیه کار گروهی، دانش کاربردی، آزادی اندیشه
	مبانی جامعه بومی	توجه به مبانی جامعه بومی، بودجه

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله استخراج شده، بیانگر آن است که جامعه از طریق مقوله ارتباط پویای جامعه و برنامه درسی می‌تواند بر اهداف و محتوای برنامه‌های درسی دوره متوسطه، تأثیرگذار باشد.

ارتباط پویای جامعه و برنامه درسی: به این اشاره دارد که اهداف و محتوای برنامه‌های درسی باید بر طبق نیازها و خواسته‌های جامعه باشد. انطباق پویا بازبینی و اصلاح مداوم اهداف و محتوای برنامه درسی را برای تحقق خواسته‌های جامعه می‌طلبد. پویا از این جهت است که این انطباق یک‌باره و برای مدت‌زمان طولانی صورت نمی‌گیرد بلکه این امر به صورت مستمر و دوطرفه انجام می‌شود؛ یعنی هم اهداف و محتوای برنامه درسی و هم خواسته‌ها و نیازهای جامعه باید بازبینی و اصلاح شود.

سؤال چهارم: مدرسه چه نقشی در ثبات اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۴- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال چهارم پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
زمینه‌ساز ثبات	تصحیح دید جامعه	ترمیم‌کننده، تصحیح دید جامعه، تغییر عادت، سازگاری فرد با جامعه
	فرصت اعتماد اجتماعی	احساس تعهد، فرصت اعتماد، وفاق ارزشی مدرسه و جامعه، برخورد ریشه‌ای با مسائل

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله استخراج شده، بیانگر آن است که مدرسه از طریق مقوله زمینه‌ساز ثبات می‌تواند در ثبات اجتماعی، تأثیرگذار باشد.

زمینه‌ساز ثبات: مدرسه مؤثرترین ابزار برای دائمی ساختن الگوهای اجتماعی است و با ایجاد سرمایه‌های اجتماعی مثل اعتماد و تعهد به ترویج ارزش‌های مورد قبول جامعه می‌پردازد و بدین صورت به انطباق فرد با جامعه کمک می‌کند.

سؤال پنجم: مدرسه چه نقشی در تغییر اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۵- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال پنجم پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
تأثیر بالقوه	الگوی ایجاد چالش	مدرسه، محور توسعه؛ تأثیر ذاتی
	نقش آزادسازی آموزش	تغییر اندیشه، نقش آزادسازی آموزش
	حفظ هویت	قانون‌مداری، حفظ هویت
تأثیر بالفعل	فرصت تمرین اجتماعی	یادگیری سیستمی، فرصت تمرین اجتماعی
	تفکر انتقادی	به‌روزرسانی اطلاعات دانش‌آموزان
	توانایی عملی	فقدان روش صحیح، تغییر محور نبودن، عدم موفقیت تغییر کتاب درسی

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله‌های استخراج شده، بیانگر آن است که مدرسه از طریق مقولات تأثیر بالقوه و تأثیر بالفعل می‌تواند در تغییر اجتماعی، تأثیرگذار باشد.

تأثیر بالقوه: مدرسه به‌عنوان یک سازمان ذاتاً انرژی و پتانسیل ایجاد تغییرات در جامعه را دارد. در واقع خود آموزش باعث بیداری فکر می‌شود. مدرسه به‌عنوان الگوی ایجاد چالش می‌تواند محور ایجاد تغییر باشد به گونه‌ای که تغییر از آنجا شروع شده و به بخش‌های دیگر جامعه نیز سرایت کند.

تأثیر بالفعل: اینکه در جامعه ما مدرسه در عمل تا چه حد توانسته عامل ایجاد تغییر باشد به عوامل چندی بستگی داشته است. فراهم کردن فرصت تمرین اجتماعی برای دانش‌آموزان از وظایف مدرسه است که در مدارس ما به خوبی به آن پرداخته نمی‌-

شود؛ که البته باید بررسی شود مدرسه تا چه میزان اجازه و توانایی عملی برای پرداختن به تمرین اجتماعی را داشته‌اند.

سؤال ششم: مدرسه چه نقشی در مسائل و مشکلات اجتماعی می‌تواند داشته باشد؟

جدول شماره ۶- کدگذاری باز سطح اول و دوم و مقولات جهت سؤال ششم پژوهش

مقولات	کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری باز سطح اول
بسترساز حل مشکل	برنامه درسی مسئله محور	آموزش پیشگیری از اعتیاد، آموزش رفتار قاطع، تربیت شهروند پاسخ‌گو، آموزش درباره محیط‌زیست، آموزش درباره راهنمایی و رانندگی،
	آسیب‌شناسی برنامه درسی	آسیب‌شناسی برنامه درسی
بسترساز ایجاد مشکل	عدم تربیت اجتماعی	عدم مهارت پروری، عدم تربیت اجتماعی
	ایجاد طبقه اجتماعی	سیاست زدگی، عدم درآمدزایی فارغ‌التحصیلان

نتایج حاصل از تحلیل‌های کدگذاری باز سطح اول و دوم و همچنین مقوله‌های استخراج شده، بیانگر آن است که مدرسه از طریق مقولات بسترساز حل مشکل و بسترساز ایجاد مشکل می‌تواند بر مسائل و مشکلات اجتماعی، تأثیرگذار باشد.

بسترساز حل مشکل: مدرسه وقتی مبتنی بر زندگی باشد مشکلات و مسائل زندگی دانش‌آموزان را محور برنامه‌های خود قرار دهد می‌تواند از خیلی مسائل بفرنج جامعه کنونی از جمله: اعتیاد، راهنمایی و رانندگی و محیط‌زیست پیشگیری کند.

بسترساز ایجاد مشکل: اگر مدرسه به دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف اخلاقی و اجتماعی مهارت‌های لازم را ندهد این عدم مهارت‌پروری منجر به بروز مسائلی جدی برای جامعه می‌شود زیرا دانش‌آموزان با مسائلی در جامعه مواجه خواهند شد که نمی‌توانند با آنچه که در مدرسه فراگرفته‌اند به پاسخگویی به آن‌ها بپردازند.

سؤال هفتم: نظریه زمینه‌ای رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه چگونه است؟

مقوله محوری پدیده‌ای است که تمام مقوله‌های اصلی به آن ربط داده می‌شوند، این مقوله حادثه یا اتفاق اصلی است، با توجه به هدف اصلی این پژوهش که بررسی رابطه تعاملی بین مدرسه و جامعه در برنامه درسی دوره متوسطه است، مقوله انطباق پویای جامعه و برنامه درسی

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد که خود از مفاهیم متعادل‌سازی محتوا، محتوای مبتنی بر جامعه و مبانی جامعه بومی استقراء شده است.

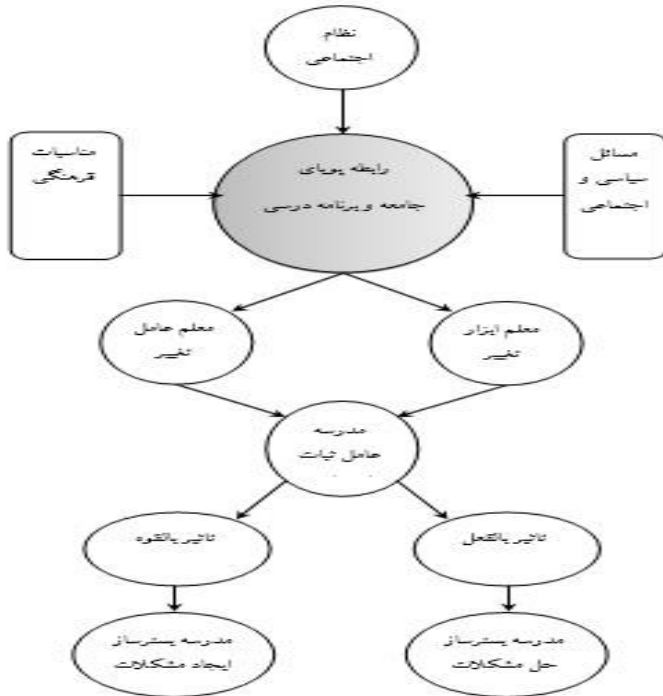
شرایط علی یا آنچه که بعضی اوقات شرایط مقدم خوانده می‌شود در داده‌ها اغلب با واژگانی مانند: وقتی، درحالی که از آنجا که چون به سبب، به علت بیان می‌شوند. حتی وقتی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد، اغلب می‌توانید با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی حوادث، اتفاقات یا وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظر است، شرایط علی را پیدا کنید (استراس، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر مقوله نظام اجتماعی که خود از مفاهیم بافت جامعه، ارزش‌های اجتماعی و روحیه اجتماعی به وجود آمده است شرایط علی خوانده می‌شود.

مقوله شرایط علاوه بر شرایط علی، شامل **زمینه یا بستر حاکم** و شرایط مداخله‌گر نیز می‌شود. زمینه، شرایط خاصی است که تعاملات برای اداره و کنترل پدیده یا مقوله محوری صورت می‌گیرد. تشخیص این شرایط از شرایط علی دشوار است. در این پژوهش مسائل سیاسی اجتماعی که متشکل مسائل ملی و میهنی و فضای اقتصادی سیاسی است، به‌عنوان زمینه یا بستر حاکم عمل می‌کند. **شرایط مداخله‌گر یا میانجی** شرایط کلی و گسترده‌تری هستند که بر چگونگی تعاملات تأثیر می‌گذارند، در این پژوهش این شرایط عبارت است از مناسبات فرهنگی که از مفاهیم فرهنگ خانواده، تعاملات بین فردی و ارتباط خرده‌فرهنگ‌ها به وجود آمده است.

بعد تعاملی، بیانگر آن دسته از تعامل‌ها و واکنش‌هایی است که در قبال شرایط بروز پیدا کرده‌اند. این بعد، تعاملاتی را در بر می‌گیرد که در پاسخ به رویدادها، مسائل و موقعیت‌ها روی می‌دهد. در این پژوهش پنج مقوله عمده: رویکرد معلم عامل تغییر، ابزار انتقال، مدرسه بستر ساز ثبات، تأثیر بالقوه و تأثیر بالفعل تعاملات صورت گرفته نسبت به ایده اصلی را مشخص می‌کند.

واکنش‌هایی که در مقابله با پدیده یا جهت کنترل و اداره کردن آن صورت می‌گیرد، پیامدهایی دارد. **پیامدها** را همیشه نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. پیامدها ممکن است واقعی یا ضمنی باشند و یا اینکه در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. هم چنین آنچه در یک برهه از زمان پیامد به شمار می‌رود ممکن است، در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود. (استراس، ۱۳۹۰) در پژوهش حاضر دو مقوله مدرسه بستر ساز حل مشکل که خود از مفهوم برنامه درسی مسئله محور به وجود آمده و مدرسه بستر ساز ایجاد مشکل که از مفاهیم سیاست زدگی و عدم تربیت اجتماعی به وجود آمده است،

پیامدهای صورت گرفته هستند. پس از ارائه مقوله علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، محوری راهبردها و پیامدها ارتباط میان آنها در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱- نظریه زمینه‌ای رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی

نتیجه‌گیری

نظام اجتماعی ما متشکل از ارزش‌ها و انتظاراتی است که آنها را به دیگر نهادهای جامعه از جمله مدرسه القا می‌کند. نظام اجتماعی که بافت و ساختار یک جامعه را تشکیل می‌دهد به‌عنوان یک مقوله شرایطی، عاملی است که در بردارنده مسائل سیاسی اجتماعی و مناسبات فرهنگی خاصی می‌باشد. نظام اجتماعی با توجه به ارزش‌ها و ساختاری که دارد و همچنین مسائل و

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

مناسبات فرهنگی که دارد، نوعی از رابطه را بین جامعه و برنامه درسی و مدرسه برقرار می‌کند که به این ترتیب رابطه بین جامعه و برنامه درسی به لحاظ هدف و محتوا می‌تواند رابطه‌ای پویا و پیش رونده باشد و یا نه برعکس. ارتباط پویای جامعه و برنامه درسی در بعد هدف و محتوا به انطباق اهداف و محتوای برنامه درسی با نیازها و خواسته‌های جامعه به صورت دوطرفه اشاره دارد، یعنی هم هدف و محتوای برنامه درسی و هم خواسته‌ها و نیازهای جامعه به صورت مستمر نیاز به بازبینی و اصلاح دارد.

در برقراری این ارتباط نظام اجتماعی به واسطه ارزش‌ها و انتظاراتی که مطرح می‌کند و به لحاظ تأثیری که از نظر روانی اجتماعی بر فضای مدرسه دارد، حائز اهمیت بسیار است. در این میان عوامل دیگری مثل مسائل سیاسی اجتماعی مطرح در جامعه به واسطه اهمیتی که در نظام اجتماعی دارند، در برنامه درسی مطرح و در مدرسه به آن‌ها پرداخته می‌شوند؛ اما مناسبات فرهنگی به مثابه زمینه‌ای که نظام اجتماعی و مسائلش در آن مطرح می‌شوند، زمینه‌ای است که بر رابطه پویای بین جامعه و برنامه درسی حاکم است. در واقع فرهنگ خانواده، نوع تعاملاتی که افراد با همدیگر دارند و تفاوت‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی که از خانواده با خود به مدرسه می‌آورند، علاوه بر آنکه فضای روانی اجتماعی مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباط بین جامعه و برنامه درسی را نیز متأثر می‌سازد. نظام اجتماعی به لحاظ پیشرفت فرهنگی و ارزش‌ها و مسائل مطرح در آن جایگاه و موقعیتی را برای معلم قائل می‌شود. به این صورت که بنا بر نوع نگاه جامعه به معلم؛ در برنامه درسی معلم، یا به‌عنوان یک عنصر فعال که می‌تواند عامل و زمینه‌ساز تغییر باشد، نگریده می‌شود و یا اینکه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای انتقال دانش و اطلاعات در نظر گرفته می‌شود. اینکه به معلم صرفاً به‌عنوان ابزاری برای انتقال دانش نگریده می‌شود یک دید محافظه‌کارانه است که می‌توان گفت بیشتر در گذشته صادق بوده، اما در جامعه حال حاضر ما آنچه که ضروری به نظر می‌رسد، در نظر گرفتن معلم به‌عنوان عاملی برای تغییر در برنامه درسی دوره متوسطه است و این یک دیدگاه متحول‌کننده است.

در واقع برنامه درسی دوره متوسطه، به لحاظ مبانی اجتماعی باید به دنبال تربیت شعور و آگاهی دانش‌آموزان برای ساختن زندگی بهتر و افزایش توانایی آنان برای تغییر وضع کنونی خودشان باشد نه صرفاً تطبیق دادن افراد با شرایط موجود. این امر، در نظر گرفتن معلم به‌عنوان یک عنصر فعال و عامل تغییر در اجرای برنامه درسی را می‌طلبد. از نظر ارزش‌های مطرح در

جامعه و به تبع آن مطرح در برنامه درسی حفظ ثبات و انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای یک ارزش محسوب می‌شود به همین دلیل انتقال ارزش‌های پایدار و اساسی یک نظام اجتماعی، عامل مهمی برای ایجاد ثبات آن نظام است، از این منظر نگاه به معلم به‌عنوان ابزاری برای انتقال این ارزش‌ها و حفظ ثبات تا حدی معقول است، زیرا ارزش‌های پایدار باید به دانش‌آموزان منتقل و در آن‌ها نهادینه شود، اما همان‌طور که قبلاً بیان شد این دیدگاه مربوط به گذشته است. در حال حاضر برای برقراری ثبات اجتماعی به وسیله مدرسه بهترین راه افزایش سطح شعور و آگاهی دانش‌آموزان است، از این طریق است که مدرسه می‌تواند، ترمیم‌کننده نقایص جامعه باشد و با تربیت درست شعور و آگاهی دانش‌آموزان به تصحیح دید جامعه بپردازد و زمینه را برای انسجام هر چه بیشتر جامعه بر پایه آگاهی روزافزون آماده کند. همچنین با توجه به برنامه درسی متوسطه، افزایش سطح شعور و آگاهی دانش‌آموزان بهترین راه برقراری ثبات است، چون دانش‌آموزان این گروه سنی به لحاظ ویژگی‌های روانی، اجتماعی در مرحله‌ای هستند که به لحاظ شناختی قدرت استدلال و تفکر آن‌ها افزایش پیدا کرده و بطور مداوم در حال رشد است.

اگر مدرسه به واسطه برنامه‌های درسی، سطح شعور و آگاهی اجتماعی دانش‌آموزان را بالا برده و تفکر پرسشگری را در آن‌ها رشد دهد و فرصت تمرین اجتماعی را برای آن‌ها فراهم آورد در نهایت از پتانسیل و ظرفیت بسیار خود برای ایجاد تغییر اجتماعی استفاده کرده و منجر به رشد و پیشرفت فکری دانش‌آموزان و در نهایت تغییر و پیشرفت اجتماعی خواهد شد، در این صورت مدرسه نقش کلیدی در حل مشکلات و مسائل جامعه ایفا خواهد کرد، زیرا با استفاده از برنامه درسی مسئله محور، در دوره متوسطه مسائل واقعی زندگی نوجوانان و جوانان را مد نظر قرار داده و به آن‌ها می‌پردازد، در واقع مدرسه این توانایی را به افراد می‌دهد که مهارت‌های برخورد با مشکلاتی را که ممکن است در زندگی با آن‌ها مواجه شوند را به دست آورند.

اما در صورتی که مدرسه در گذشته فرومانده باشد و برای ایجاد و حفظ ثبات اجتماعی، ماندن در وضعیت موجود راه به‌عنوان یک راه حل ببیند، نمی‌تواند از پتانسیل و ظرفیتی که داراست استفاده کرده و از قوه به فعلیت برسد و به این ترتیب صرفاً انتقال دانش و اطلاعات به‌عنوان یک ارزش در رأس قرار می‌گیرد؛ بنابراین برنامه‌های درسی موجب بیداری فکر و افزایش تحرک اجتماعی نمی‌شوند و در نهایت مدرسه بستر ساز ایجاد مشکلات و مسائل اجتماعی در جامعه می‌شود، چون به سبب رکودی که دارد از پتانسیل خودش برای توانمندسازی

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

دانش‌آموزان استفاده نمی‌کند و نتیجه این می‌شود که فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه افرادی هستند، فاقد مهارت که آموخته‌هایشان در جامعه به کارشان نمی‌آید و تحصیلاتشان نه تنها منجر به سهولت در افزایش تحرک اجتماعی نمی‌شود، بلکه منجر به بروز پدیده طبقه اجتماعی می‌شود به این علت که مدرسه واقعیت جامعه را در نظر نمی‌گیرد و بنابراین دانش‌آموزان در جامعه موفق نمی‌شوند و موفقیت نمی‌آفرینند.

در توجه به مبانی اجتماعی دوره متوسطه این نکته اهمیت دارد که همه دانش‌آموزان صرف‌نظر از نوع رشته‌ای که به تحصیل در آن می‌پردازند و شغلی که در آینده به آن مشغول می‌شوند، طوری تربیت شوند که هر کدام در هر موقعیتی که قرار گرفتند مروج اخلاق انسانی باشند و به مبانی تعریف شده برای این دوره نزدیک شوند و صرفاً پایگاه و موقعیت اجتماعی و شغلی‌شان به آن‌ها ارزش نهد، بلکه خود نیز به لحاظ شخصیتی مروج ارزش باشند و برای خود ارزش قائل شوند. مدرسه در صورتی می‌تواند بستر ساز حل مشکلات و مسائل اجتماعی باشد که برنامه درسی آن مسئله محور باشد. برنامه درسی مسئله‌محور، واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان را در رأس قرار می‌دهد و به آن‌ها می‌پردازد و این خود به کاربرد دانش در زندگی دانش‌آموزان اشاره دارد. جامعه می‌تواند و باید در این زمینه یاور مدرسه باشد. اگر فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه ببینند که افرادی که علم و معرفت بیشتری دارند در جامعه از جایگاه والایی برخوردارند و علاوه بر آن از لحاظ مادی هم تأمین می‌شوند به علم و دانش به‌عنوان یک ارزش والا می‌نگرند و از این‌رو می‌توانند به واسطه آن به سهولت، تحرک اجتماعی داشته باشند و مسائل و مشکلات زندگی‌شان را حل کنند؛ و این ممکن نمی‌شود، مگر اینکه در برنامه درسی این دوره مصداقی عمل کردن به‌عنوان یک راه حل مهم در نظر گرفته شود و از سوی دیگر جامعه نیز جایگاه ویژه‌ای برای علم و دانش و افرادی که در این حوزه، توانمند هستند قائل شود با اینکه مدرسه ظرفیت بالایی برای تغییر اجتماعی و همچنین حل مشکلات و مسائل اجتماعی دارد اما برای استفاده از این ظرفیت و از قوه به فعلیت درآوردن آن جهت حل مشکلات و مسائل اجتماعی بخصوص در برنامه درسی دوره متوسطه باید مبانی اجتماعی این دوره به صورت منسجم تدوین یابد. از این رو مفاهیم و مقوله‌های مطرح شده و یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر در هنگام تدوین برنامه درسی دوره متوسطه می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان درسی برای توجه هر چه بیشتر به شرایط جامعه کنونی ما در ارائه برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و همچنین بسترسازی

برای تعامل بیشتر نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ... با مدرسه و خانواده در دوره متوسطه و لزوم توجه به ایجاد موضوعات درسی مختلف در برنامه درسی دوره متوسطه متناسب با نیازهای جامعه محلی باشد؛ ضمن اینکه پژوهش حاضر، می‌تواند راهنمای پژوهشگران علاقه‌مند رشته مطالعات برنامه‌درسی به مطالعه در زمینه تعیین نقش خانواده و تعامل آن با مدرسه در زمینه پویایی رابطه بین جامعه و مدرسه؛ و توجه به مدرسه به عنوان کانونی برای شروع تغییر و حرکت به دنبال آن نه مکانی برای ترویج تغییرات ایجاد شده توسط نهادهای دیگر باشد.

منابع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). اصول و روش تحقیق کیفی. مترجم: بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسفندیاری، توران (۱۳۸۲). شناسایی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان از دیدگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی شاخه متوسطه نظری و دانش‌آموزان شاخه نظری دبیرستان‌های بزرگسالان دولتی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- افضل خانی و همکاران (۱۳۸۹). بررسی ساختار برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه ایران از دیدگاه استادان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی به منظور طراحی الگویی راهنما برای زمینه‌سازی پرورش خلاقیت دانش‌آموزان. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم شماره ۱.
- تقی پورظهیر، علی (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگاه.
- جباری، کامران، (۱۳۸۲). بررسی میزان موفقیت برنامه‌های تنظیم شده دوره متوسطه در تحقق اهداف اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ نشده.
- صافی، احمد (۱۳۸۰). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه تهران. تهران: سمت.
- غلامی فرد، اسرافیل (۱۳۸۱). بررسی کمی و کیفی برنامه‌های درسی جامعه‌شناسی دوره متوسطه گروه علوم انسانی بر اساس دیدگاه اجتماعی در برنامه‌ریزی درسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ نشده.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۴). اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی. تهران: بال.

بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه ...

- فتحي واجارگاه، كوروش (۱۳۸۷). بررسی مبانی جامعه‌شناختی طرح برنامه درسی ملی ایران. فرجاد، محمدعلی (۱۳۷۹). اصول برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: الهام.
- قادری، مصطفی (۱۳۹۱). عمل و نظریه در مطالعات برنامه درسی. تهران: آوای نور.
- مفتخر، سیف‌الله، (۱۳۸۷). بررسی برنامه درسی قصد شده و اجرا شده شهروند مسئول در دوره متوسطه از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ نشده.
- ملکی، حسن (۱۳۸۷). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه. تهران: سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی درسی راهنمای عمل. تهران: پیام اندیشه.
- موسی پور، نعمت‌الله (۱۳۸۵). مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه. تهران: آستان قدس رضوی.
- الن سی، ارنتس‌تاین و فرانسس پی، هانکینز (۱۳۷۳). مبانی فلسفی، روانشناختی و اجتماعی برنامه درسی. مترجم: سیاوش خلیلی شورینی. تهران: هما.
- الن سی، ارنتس‌تاین و فرانسس پی، هانکینز (۱۳۸۴). مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی. مترجم: قدسی احقر. تهران: انتشارات: دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران، سمت.

Douglas E. Scates. (1937). Social Foundations of the Curriculum .Review of Educational Research, Vol. 7, No. 1, pp. 71-79

Fiore, Douglas J. (2011). school- community relations 3rd edition. . Published by Eye on Education, Larchmont, New York, U.S.A.

Goos, M., Lowrie, T., & Jolly, L. (2007). Home, school and community partnerships in numeracy education: An Australian perspective. The Montana Mathematics Enthusiast, 7–24.

Johns, S., Kilpatrick, S., KALK, I. & Mulford, B. (2000) School Contribution to Rural Communities: Leadership Issues, Centre for Research & Learning in Rural Australia, University of Tasmania.

Levin, H.M (2005). The Social Costs of Inadequate Education, A Summary of Melaville, A; Berg, A.; Blank, M. (2006). Community-based Learning: Engaging Students for Success and Citizenship, DC: Coalition for Community Schools.

Sobhi, Tawil. (2002). Curriculum change and social inclusion: perspectives from the BALTIC SC AND SCANDINAVIAN countries final report of

the regional seminar held in Vilnius Lithuania 5-8 desaber. IBE-UNESCO, 26-37.www.unesco.ibe.org

The first annual Teachers College Symposium on Educational Equity, on October 24-26, TEACHERS COLLEGE, COLUMBIA UNIVERSITY

Thomas, L. (2012) Rethinking the importance of teaching: curriculum and Virginia Tech. (2013).Curriculum for liberal education:a guide for student, advisors&faculty. Virginia Tech(VT),2013-2014.